

### متن پرسش

با عرض سلام و خسته نباشید: نمی دونم این سوال به دستتون میرسه یا نه، یا اینکه اصلا جواب میدید یا نه، آری شک تمام وجود مرا فرا گرفته حتی نسبت به اینکه سوال من جواب داده میشه یا نه! استاد من دچار شکی شدم که نمی دانم چه کنم؛ من اوایل بسیار انقلابی مطیع ولی فقیه و... بودم و سخت مخالف کسانی که این نظریه ها را قبول ندارند یا برایشان کم اهمیت بوده امثال: خاتمی در سیاست و سروش به عنوان نظریه پرداز! ولی اکنون نسبت به آن دورانم شک دارم و بیشتر متمایل به امثال سروش، اصلاح طلبان و غیره شده ام. بعد از ماجراهای پیش آمده از احمدی نژاد گرفته که زمانی نور چشم رهبری و اکنون جریان انحرافی است تا شکست پی در پی جبهه انقلاب و اصولگرا در انتخابات و عدم مقبولیت مردم نسبت به خشونت و تندروی (به تعبیر جامعه) که از انقلاب تاکنون دیگر آن شعارها نیست و اعتدال و اسلام رحمانی بیشتر نمایان شده و جایش را به اسلام خشن که امثال آقای مصباح یزدی قرائت می کرد داده است! استاد چکار کنم من فکر می کنم ولی فقیه دیکتاتور است و اصل تمام کارها به ایشان وابسته و دموکراسی و آزادی بیان بسیار در کشور ما بیمار است. ولی قبلا اینطور نبوده ام و بسیار با افکار امروز ۱۸۰درجه فرق می کرده ام. اکنون به نظر شما این عیب از کجاست چه کنم؟ تشکر

### متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: عنایت داشته باشید ما در تاریخ ۲۰۰ ساله‌ی خود، گرفتار نگاه غرب به همه‌چیزمان هستیم و به جهت سیطره‌ی چنین نگاهی نمی‌توانیم جایگاه تاریخی انقلاب اسلامی را که تقدیری است برای حضور خدا در مناسبات بشر و عبور از سکولاریته، درست درک کنیم. در حالی که بر اساس تقدیر الهی باید به خدا رجوع کرد و جایگاه ولی فقیه در این‌جا معنا دارد که چرا همه‌ی کارها باید به نحوی به ایشان ختم شود از آن جهت که ولی فقیه کارشناس کشف حکم خدا است و این با دیکتاتوری که همه‌ی کارها به نفس اماره‌ی او ختم می‌شود، متفاوت است. خوب است که به کتاب «انقلاب اسلامی، برون‌رفت از عالم غربی» رجوع فرمایید. خوب است که سری هم به جواب سؤال شماره‌ی ۲۰۰۱۸ بزنید. موفق باشید